

دوشنبه • ۲۴ فروردین ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۷۴ • ۹

شرق روزنامه

هنر

هیچ تعارضی بین هنر و اجتماع وجود ندارد	صفحه ۱۰
در باب ایسمی که زولا باب کرد	صفحه ۱۰
افغانستان در برزخ صلح	صفحه ۱۲

جامپ شات

تولویزون و ضرورت تحول در برنامه سازی
رضا در ستکار
فقدان برنامه‌های سرگرم‌کننده؛ این کل موضوع تلویزیون ایران است؛ نکته‌ای که در برنامه‌ها و سریال‌های نوروزی بیشتر به چشم آمد. از خلال همین دو تا و نصفی برنامه و سریال هم می‌توانستی بفهمی که تکرار و کلیشه، دامن این به‌اصطلاح رسانه ملی را گرفته و برای برون‌رفت از این مخمصه که به نظر من برای این دستگاه عریض و طویل در راه کوچک‌سازی؛ دیگر امری حیاتی شده است. بسیاری از برنامه‌های نوروز امسال بعد از ایام فاطمیه آغاز شد؛ چرا؟ (بیش‌تر در سالی که محرم و عید هم‌زمان شده بودند، روش تلویزیون ما بهتر بود، نگه‌داشتن بینندگان خود پای گیرنده‌هایشان اسود می‌برند، اما اینجا همه کانال‌ها دارند روی یک موضوع – آن‌هم اغلب با روش‌های مکرر و کلیشه‌ای – مانور می‌دهند! نیمه‌دوم عید آغاز می‌شود؛ سریال «در حاشیه» را داریم، طبق روال آثار سابق مهران مدیری باید به آن مهلت داد و دندنان روی جیگر گذاشت تا رفته‌رفته فضای طنزش دربیاید، او بر پایه استانداردهای «هنر مدیری» عمل می‌کند، برای یک شروع قدرتمند در کارهایش، هرگز هیچ تلاشی نمی‌کند و می‌کوشد از طریق پروردن ایده‌ها و تکه‌کلاها، بدون میزآسبن، کار خود را پیش ببرد! همین‌طور هم می‌شود، پنج‌شنبه شب که قسمت دوازدهم پخش می‌شد، موضوع اندکی جالفتادتر و ریتم مجموعه طبعاً بهتر شده بود، سریال «فوق سری» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده، تحفه شبیکه یک در روزهای عید بود؛ که رسماً بازگشت به الگوهای سینمای فارسی را دستور کار قرار داده است، ماشین‌ها و محیط و آمیبیان عوض شده، پوشش و رنگ آمیزی تغییر کرده و به‌طورکلی همه‌چیز روکش امروزی دارد، اما آدم‌ها و روابط و فرهنگ برخاسته از درونشان، همان‌هایی هستند که پیش‌تر می‌شناختیم از «تشریفات» به قبل و به بعد؛ سریال به‌شکل عجیبی، بیننده خودش را دست‌کم گرفته است؛ هم از منظر فنی و تکنیکال و هم از نظر اجرا، پس قافیه را می‌یازد؛ سینمای پلیسی سریال «فوق سری»، گرفتار در روابط «هوویی»، کاری از پیش نمی‌برد! نقش بامزه؛نویسندهٔ شخصیت سریال را هم، خود آقای فخیمرزاده زحمتش را کشیده‌اند، برای این میزان از خلایقیت، باید به ایشان آفرین گفت! می‌ماند طبق معصول سال‌های اخیر؛ مجموعهٔ تلویزیونی «کلاه‌قرمزی»، سازندگان «کلاه‌قرمزی ۹۴» هم مثل همیشه گذشته خود، عمل کرده‌اند، ۹۴ را که از روی عنوان‌بندی، برداری، اصلاً معلوم نمی‌شود که کی و چه موقع دست به کار تولید این مجموعه زده‌اند؟! آتها ایمان دارند که کارشان خوب است و می‌رانند مدیران ارجمند رسانه، برای سال جدید هم چندان تلاشی نکرده‌اند و تلویزیون بازهم خالی از برنامه است، پس بدون هرزحمتی، همان عروسک‌ها و عوامل را خسر می‌کنند، چند هنرمند هم برای هر قسمت می‌آورند و از طریق گفت‌وگو و ساده‌کردن موضوعات، بینندگان بزرگسال را پای گیرنده نگه می‌دارند. سازندگان کلاه‌قرمزی، روابط و خرده‌فرهنگ‌ها را با دخالتهی طرفیانه در گویش و لهجه‌ها، به‌شکلی پرس‌شده و پکیج، طراحی و اجرا می‌کنند و تحویل بیننده می‌دهند و بینده‌ای که دستش از توشه تلویزیون خودی خالی است، به همین مشابه‌سازی راحت‌الحلقوم هم قناعت می‌کند؛ وقتی «کلاه‌قرمزی» بهترین برنامه و مجموعه سال می‌شود، آشکار است که چقدر تلویزیون ما در حال پس‌روی است! اقبال بینندگان از «کلاه‌قرمزی» ممکن است رفتگی‌اش واکنشی باشد؛ آیا عزیزان فکری که در این احتمال‌ها کرده‌اند؟! بگذریم؛ جالب آنکه بدترین برنامه‌ها و رویدادهای تلویزیون نیز هرسال درست در ساعات آغاز سال جدید روی آنتن رسانه ملی می‌رود (و امسال دیگر آووشش بود!)، برنامه‌هایی بی‌خاصیت، عصی‌کننده، تکراری و کلیشه‌ای که مثل هرسال و در همه شبکه‌ها، از تعدادی ورزشکار شهره و فوتبالیست و خواننده و هنرپیشه دعوت می‌شود تا سؤالاتی بی‌خاصیت را جواب دهند! به‌طورکلی چنین برنامه‌هایی، دکورایی، حیرت‌آور از بدی، محتوایی بسیار ضعیف و اغراق‌هایی هضم‌نشدنی، با گفتارهای عجیب‌وغریب‌تر از سوی مجری‌های بسیار باسواد! دارند، در یک دور کوتاه از شبکه یک با اجرای علی ضیا به شبکه ۲ می‌رویم و به شبکه ۳ و ۴ و ۵ و دیگر شبکه‌ها هم سری می‌زنیم، هرچه پیش‌تر می‌روند و به لحظه سال تحول نزدیک می‌شوند، تهی‌بودشان بیشتر آشکار می‌شود؛ نویسندگی که در کار نیست؛ غالباً کارگردان هم ندارند، البته شبکه ۳ کارهایی را صورت داده، اما مدل برنامه، مدل برنامه‌های باورهایشان هست را انجام می‌دهند و در شأن چراکه معتقدم اگر قصد اصلاح باشد، از خود پژوهشان پرسیده می‌شود که مشکلات چیست؟ وقتی پرسیده نمی‌شود، یعنی اینکه فعلاً همین شرایط را قرار است ادامه دهیم.

نگاه پزشکی

مشکلات عمیق‌تری وجود دارد کاوه شاد . پزشکی

قسمت ابتدایی سریال «در حاشیه» را دیدم و از نظر من سریال جذاب و سرگرم‌کننده‌ای است. این سریال به جامعه پژوهشان پرداخته و البته نقدهایی را نیز دراین‌خصوص مطرح کرده است، هر چند تا پیش از پخش مجموعه تازه مهران مدیری، صحبت‌های زیادی بر سر اینکه او در سربالش چطور به جامعه پزشکی پرداخته است، مطرح بود، اما حقیقتاً تصور نمی‌کردم پخش این سریال موجی از اعتراض همکارانم را به همراه داشته باشد و هرروز پزشکی نسبت به پخش این سریال و مشکلات و نقدهایی که در آن مطرح شده است، صحبت کند. به نظر من «در حاشیه» به پژوهشان توهینی نکرده است و اگر به‌جای شخصیت پزشک این سریال به دیگر اقشار این جامعه از صنوف مختلف پرداخته می‌شد هم ممکن بود نقدهایی مطرح شود و موج دیگری از انتقادها از دیگر صنوف متوجه این سریال باشد. از نظر من مسئله اصلاً پزشک نیست، این یک واقعیت است که بین مشکلات واقعی جامعه پزشکی یا سیستم بهداشتی کشور و این نوع از مشکلاتی که در این سریال نشان داده شده، فاصله زیادی وجود دارد. مشکلاتی که در مجموعه «در حاشیه» عنوان می‌شود، دقیقاً مشکلاتی وابسته به فرد است که در تک‌تک افراد جامعه و در هرشغلی وجود دارد؛ یک‌جور اختلال شخصیتی یا چنین چیزی! تصور می‌کنم سریالی که قصدش



تنها سرگرم‌کردن مخاطبش است، نمی‌تواند تنها مشکل جامعه پزشکی باشد، آنقدر مشکلات عمیق‌تری وجود دارد که می‌توان ساعت‌ها درباره آن صحبت کرد؛ مشکلاتی که قطعاً پژوهشان بسیاری آن را تجربه کرده‌اند و حتماً نقدهایی نیز نسبت به آن دارند، مثلاً وقتی کمبود پرسنل هست و استخدام صورت نمی‌گیرد یا موارد مشابه، در این شرایط چرا باید به اتفاقات سطحی پرداخت؟ یکی از آن مواردی که بنده نسبت به آن نقد دارم، این است که چرا سیستم درستی برای گزینش تخصص و بوردتخصصی و فوق‌تخصصی وجود ندارد و همچنان پارتی‌بازی و برخوردهای سلیقه‌ای بیاد می‌کند؟ از نظر من نتیجه نقدی که درباره این سریال از قسمت‌های ابتدای مطرح شده است، اصلاح نیست، بلکه فقط هرج‌ومرج است. نهایتاً فکر می‌کنم افرادی موفق هستند که کمترین توجه را به جو موجود می‌کنند و کاری را که درست و در شأن باورهایشان هست را انجام می‌دهند چراکه معتقدم اگر قصد اصلاح باشد، از خود پژوهشان پرسیده می‌شود که مشکلات چیست؟ وقتی پرسیده نمی‌شود، یعنی اینکه فعلاً همین شرایط را قرار است ادامه دهیم.



عکس: امیر جدیدی‌شرق

سیامک انصاری بازیگر سریال «در حاشیه»

باکسی سر جنگ نداریم

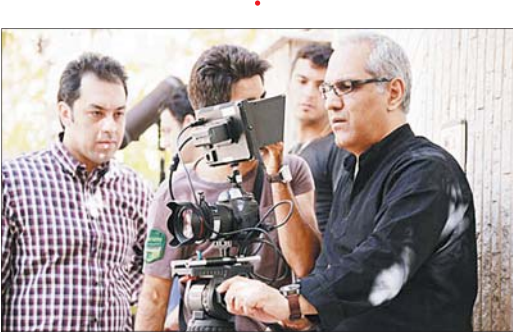
بخش زیادی از شخصیت‌پردازی در متن وجود دارد و بخش دیگر به بازیگران دیگری که همبازی من هستند هم برمی‌گردد. ارتباط من با همکارانم و کاری که در آن حضور دارم هر کدام شکل و شمایل متفاوتی به نقش می‌دهد. بعید می‌دانم کيانوش استقرارزاده «شب‌های برره» به لحاظ شخصیت‌پردازی و بازی شبیه نیما زند کریمی «قهوه تلخ» باشد.

«در حاشیه» توانست بار دیگر گروه بازیگران طنزی را که کارهای موفقی از آنها، سالیان قبل از رسانه ملی پخش می‌شد و مردم با آن خاطره دارند، دور هم جمع کند. حضور شما، مهران غفوریان، محمدرضا هدایتی، جواد رضویان و البته مهران مدیری مقابل دوربین بیش از یک تیم موفق، کمی نوستالژیک هم به نظر می‌رسد...

بله، من این ترکیب را دوست و تعلق خاطر خاصی به آن دارم. همان‌طور که گفتید مردم پیش‌زمینه ذهنی نسبت به این گروه دارند و اینکه در این سال‌ها با هم همکاری داشتیم؛ اینکه همه در یک سریال دورهم جمع شویم اتفاق بسیار خوب و شیرینی است، به‌خصوص حضور مهران غفوریان که همیشه از کارکردن با او لذت می‌برم.

البته اتفاق دیگری هم در این سریال رخ داده، اینکه این گروه خوشحال است. از نظر من این مهم‌ترین اتفاق چند سال اخیر برای ماست. تجربه به من ثابت کرده هر کاری که پشت صحنه آن برای خودمان خوب نبوده و به نوعی سخت گذشته است، در نهایت کار هم درست از آب درنیاوده و دقیقاً هر کاری که پشت صحنه جذابی داشته و همه ما حس خوبی داشته‌ایم دقیقاً اثر مثبت داشته و این حس به مردم هم منتقل شده است.

 	 	 	 	 	
به هر حال ماجرای عجیبی است که بخواهید بین این همه شخصیت کم‌دی، جدی بازی کنید. سال‌ها فعالیت من در حوزه کارهای کم‌دی ثابت کرده است که هیچ‌گاه دوست نداشتم‌ام «اکت کم‌دی» را من انجام بدهم. من «ری اکشن کم‌دی» دارم. این شیوه بازی است که طی ۱۲سال تمرین کردم و اصولا به کارهای کم‌دی بازیگر مقابلم عکس‌العمل نشان می‌دهم					



«تجربه‌هایی که برای شما چندان خوشایند نبوده، محصول شبکه نمایش خانگی است؟

بیشتر شبکه نمایش بوده، ما هیچ وقت بازخورهایی از شکل سریال‌های «در حاشیه»، «مرد هزارچهره» و «شب‌های برره» را در شبکه نمایش خانگی تجربه نکرده‌ایم. البته تا حدی «قهوه تلخ» این حس را برای ما داشت، چون اساساً از نظر من این محصول با سایر محصولات شبکه نمایش خانگی قابل مقایسه نیست. «قهوه تلخ» متأسفانه هم خود ما، هم باقی همکاران و دوستان ما را متوهم کرد. خود ما از فروش این سریال و استقبال مردم کاملاً حیرت کرده بودیم که مگر می‌شود چنین فروشی در شبکه نمایش خانگی داشت؟ نه اینکه این آمار کاذب باشد، اتفاقاً آمار واقعی‌ای بود و ما هم از این اتفاق بسیار خوشحال بودیم. اما منظورم از متوهم‌شدن همکاران این است که سایر همکاران در شبکه نمایش خانگی نیز تصور کردند، می‌توان به این آمار فروش رسید. در صورتی که به نظر من این اتفاق دیگر تکرار نخواهد شد. **«تصور می‌کنم شیوه بازی شما در آثار کم‌دی، گونه‌ای سخت از بازیگری است که اساساً هیچ‌گاه مخاطب را وادار به خندیدن نمی‌کند و عکس‌العمل‌های شما مخاطب را غافلگیر می‌کند و عمدت‌ترین دایل محبوبیت شما هم این شیوه بازی است. باز هم به همان صحبت قبلی‌ام برمی‌گردم که طبق همین الگوست که هر کار شما با دیگری متفاوت است؟**

به هر حال ماجرای عجیبی است که بخواهید بین این‌همه شخصیت کم‌دی، جدی بازی کنید. سال‌ها فعالیت من در حوزه کارهای کم‌دی ثابت کرده است که هیچ‌گاه دوست نداشتم‌ام «اکت کم‌دی» را من انجام بدهم. من «ری‌اکشن کم‌دی» دارم. این شیوه بازی است که طی ۱۲سال تمرین کردم و اصولا به کارهای کم‌دی بازیگر مقابلم عکس‌العمل می‌دهم.

سیامک انصاری نیاز به معرفی ندارد؛ بازیگری که در همه سال‌های حضورش در تلویزیون و سینما مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده و حضورش در آثار طنزی آنکه تلاشی در جهت خنداندن مخاطب داشته باشد، مؤثر بوده و در ذهن‌ها، ماندگار. انصاری بیش از هر چیز بازیگر کلیدی سریال‌های مهران مدیری محسوب می‌شود، چنان‌که در سریال «در حاشیه» که اتفاقاً نقش

پزشک مثبت بیمارستان را ایفا می‌کند، بیشتر نگاه‌ها به سمت اوست. انصاری معتقد است در تمام این سال‌ها بیشترین انتخابش آثار کم‌دی بوده؛ چراکه علاقه‌اش به این نوع کار بیشتر است. بهانه صحبت با سیامک انصاری پخش سریال «در حاشیه» از شبکه سه بود.

«فکر می‌کردید سریال «در حاشیه» این‌قدر جریان‌ساز شود و نظرات موافق و مخالف بسیاری داشته باشد؟

فکر نمی‌کردم مردم این‌قدر سریال را دوست داشته باشند و از آن استقبال کنند، اما تصور می‌کردم حواشی به دنبال داشته باشد. در حقیقت در این سریال ما افرادی را با حرفه پزشکی می‌بینیم که بسیار فانتزی تصویر شده‌اند، با این پیش‌شرط که از حرفه خاصی صحبت می‌کنیم. با وجود نظرات مختلف درباره سریال، اما اتفاق خوشحال‌کننده در مورد «در حاشیه» این است که بین مخاطبان جایش را پیدا کرده و خیلی‌ها مجموعه را دنبال می‌کنند.

جالب است که مدتی قبل شنیدم خانم دکتری در اعتراض به این سریال گفته بود «آنقدر این سریال بی‌خود است که حتی یک قسمت از آن را هم ندیدم!» اصلاً مگر امکان دارد که کسی سریال را ندیده و می‌داند که بی‌خود است! به هر حال تمام تلاش ما این بود که مردم چند دقیقه‌ای با این سریال اوقات مفرحی را سپری کنند.

«هومن صحرایی»که شما نقش آن را ایفا می‌کنید، شخصیت مهمی در این سریال محسوب می‌شود و به نوعی نقش پزشک مثبت سریال را ایفا می‌کنید که می‌تواند نماینده بخش زیادی از پزشکان این جامعه باشد.

نظراتن درباره شخصیت‌پردازی این نقش چیست؟

«هومن صحرایی» یک شخصیت فانتزی است. او تخصصی در این بیمارستان دارد و در رشته‌ای تحصیل کرده که شاید از بین میلیاردها نفر یک نفر پیدا شود که درگیر چنین بیماری‌ای باشد. به نظر من، اگر مخاطبان این سریال به دقت آن را نگاه کرده باشند جایی برای دلخوری نیست، این‌قدر همه چیز در این مجموعه حالت طنز و لطیفه دارد که به راحتی می‌توان متوجه شد که تلاشی است برای اینکه مردم چند دقیقه‌ای را شاد باشند و تفریح کنند. این سریال چیزی بیش از این نیست. «هومن صحرایی» هم در این سریال ویژگی‌های خاص خودش را دارد، اینکه به هر حال صاحب تخصصی است که نمی‌تواند از آن استفاده کند و بعد ناچار می‌شود کتاب‌هایش را حراج کند و از طرف دیگر شیطنته‌های خاص خودش را هم دارد. اساساً شخصیتی است که عمق عجیب و غریبی ندارد. البته مقصودم از این حرف این نیست که شخصیت‌پردازی نشده؛ در واقع شخصیت به گونه‌ای طراحی شده که مناسب یک مجموعه ۹۰ قسمتی است با تمام ویژگی‌های شخصیتی که در سریال می‌بینید.

«سیامک انصاری عموماً شخصیت کت و شلوار پوشیده و عصا قورت داده سریال‌های مدیری است؛ شخصیتی که ممکن است در ظاهر در آثار مختلف به هم شبیه باشد اما عملاً با تنوع و رنگ آمیزی در هر اثر نسبت به اثر دیگر بسیار متفاوت ظاهر می‌شود. از چه راهی به شمايل مورد نظراتن در کار می‌رسید؟

قطعاً اگر این‌طور است که شما می‌گویید یک بخش از آن به من برمی‌گردد و آدم‌هایی که اطرافم هستند. هر چند برخی خلاف نظر شما را دارند و معتقدند من خود را تکرار می‌کنم. به آنها هم حق می‌دهم که چنین تصویری داشته باشند. حتی خاطرم هست مهربا قاسم‌خانی در صفحه مجازی‌اش مطلبی راجع به من نوشته بود و کسی کامنتی زیر آن گذاشته بود که «آقای قاسم‌خانی چرا بی‌خود این آدم را کنده می‌کنی؟ به دوربین نگاه‌کردن که بازیگری نیست و هزار حرف دیگر...» این نظر، برایم جالب بود. طبعاً سال‌هاست که من در این حرفه فعالیت می‌کنم و خواه ناخواه تجربه‌هایی به دست آورده‌ام. بازیگری هم به این راحتی نیست. هر چند مردم آزاد هستند نظرانتشان را بازگو کنند، اما ما با کسی سر جنگ نداریم. برخی شیوه بازی من را دوست دارند و برخی دیگر نه. کسی هم مثل شما فکر می‌کند که بازی‌های من شبیه هم نیست، هر چند خودم هم همین حس را دارم و سعی کرده‌ام بازی‌هایم در آثار مختلف با تغییراتی همراه باشد. منتهای نقشی که در هر سریال یا فیلم به من سپرده می‌شود توسط تیم نویسندگان نوشته می‌شود و